

کمپین دستمزد: گامی به پس در جنبش کارگری

بهنام

پنجشنبه بیست ششم دی ۱۳۸۷

اخیراً حرکتی از سوی بعضی از فعالین گرایش‌های راست و انحرافی درون جنبش کارگری، در راستای جمع آوری امضا برای افزایش دستمزدهای کارگران شروع شده است. این مسئله بر همه فعالین دلسوز کارگری واضح است که مطالبه افزایش دستمزد در کنار مطالبه بیمه های اجتماعی و امنیت جانی در محیط کار و نیز امنیت شغلی و سایر مطالبات کارگران، خواست برحق کارگران ایران می باشد و مطالبه مهمی است که برای کارگران و فعالینشان غیر قابل چشم پوشی است و سرمایه داری هم (با توجه به تجربه جهانی اش) مجبور است آن را مورد توجه قرار داده و از بخشی از ارزش افزوده خود در این راستا صرف نظر نماید (اما نباید از اهمیت مبارزه پیگیر و طبقاتی کارگران در این راستا غافل ماند). اما بحث اصلی در اینجا تفاوت بر سر دو نوع استراتژی متفاوت از هم می باشد. امروزه در جنبش کارگری بر خلاف دوران انقلاب ۵۷ بحث بر سر استراتژی است که نقطه تمایز بین گرایش‌های موجود در جنبش می باشد. در شرایط کنونی آنچه گرایش چپ را از سایر گرایش‌های انحرافی و راست متمایز می سازد تکیه بر نیروی مستقل خود کارگران برای متشکل شدن حول خواسته های مشترک می باشد یعنی آنچه که در استراتژی گرایش‌های راست و انحرافی به کلی غایب است. این نقطه تمایز به صورت آشکارش در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ با اوج گرفتن جنبش اصلاحات سیاسی در ایران خود را نمایان ساخت، یعنی زمانی که گرایش راست در مقابل درخواست سازمان جهانی کار از ایران در مورد امضاء مقوله نامه رسمیت تشکلهای کارگری دست به دامان وزارت کار و تامین اجتماعی شد و مبنای آن برای ایجاد تشکلهای کارگری جلب حمایت دوستان خود در درون حاکمیت گرفتند نه تکیه بر نیروی کارگران. بنابراین برای گرایش راست و انحرافی ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری صرفاً ضرورتی سیاسی در یک فرجه نسبتاً باز سیاسی بود نه درک اهمیت این تشکلات برای پیشبرد مبارزه صنفی و سیاسی و در نهایت مبارزه طبقاتی کارگران، بنابراین آنها در پشت سر استراتژی مورد نظرشان هیچ نیروی مادی (کارگران) نداشتند و تبعات آن را نیز امروزه به خوبی شاهدیم.

اما گرایش چپ که مدتها بود به اهمیت و ضرورت مبارزه پیگیر و مستقل و متحد کارگران برای پیشبرد اهداف طبقاتی شان پی برده بودند و هزینه های زیادی را برای این مسئله متقبل شده بودند در این مقطع تاریخی با قدرت هرچه تمامتر پا به میدان گذاشت و خواست و مطالبه خود را با تکیه بر نیروی مستقل کارگران ایجاد تشکل کارگری مستقل در راستای منافع کل طبقه کارگر عنوان نمود.

به طور خلاصه گرایش چپ، استراتژی خود را کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری با تکیه بر نیروی واقعی خود کارگران می دانست و در این میان علی رغم تکیه و ترویج تشکلهایی با ساختار شورایی، به دفاع و حمایت از هر نوع تشکلی که خود کارگران به ضرورت ایجاد آن آگاه شده و اقدام به ایجاد آن کرده باشند، برخاست.

اما این بار نیز تمایز بین دو گرایش یا دو استراتژی مختلف در مقطع کنونی آشکارتر گردید. این بار نیز گرایش‌های انحرافی در جهت کسب فرصتی برای پیشبرد اهداف مورد نظر خود (منحرف ساختن جنبش کارگری در جهت کمرنگ نمودن رادیکالیسم آن) یک خواسته برحق کارگران یعنی «افزایش دستمزد» را دستاویز قرار داده‌اند و انتخاب این خواسته نیز بی‌منظور نبوده زیرا در شرایطی که کارگران واقعیت گرسنگی خود را فریاد می‌کشند شاید این مسئله برای کارگران از جذابیت خاصی برخوردار باشد و گرایش مذکور به خیال خود بخواهد حقانیت خود را برای طبقه کارگر ایران ثابت نموده و در مقطع خاصی با دستاویز قرار دادن امضاهای جمع آوری شده بتواند خود را به عنوان نماینده برحق کارگران معرفی نماید. چنین کمپینی درحقیقت کپی مضحکی از اهداف کمپین یک میلیون امضاء در جنبش زنان ایران است. آنها می‌خواهند چیزی را که کارگران ایران و فعالین دلسوزش در روز روشن دنبال آن بوده‌اند را در شب تاریک با چراغ بیابند و در این راه تاریک هم نمی‌توان چیزی جز منحرف شدن جنبش کارگری ایران را انتظار داشت. طرح چنین مسئله‌ای در شرایط کنونی که طبقه کارگر مدتهاست چنین نوع مبارزه‌ای را فرا پشت نهاده است و با قدرت تمام برای احقاق حقوق از کف رفته اشیا به میدان مبارزه عملی و علنی گذاشته است و در این راه اعتصاب را به عنوان حق مسلم خود و نیز شیوه مبارزه‌ای درست و موثر دانسته‌اند چه هدفی می‌تواند داشته باشد؟ آیا نمیتواند به معنای برگرداندن آنها به پای میز مذاکره و چانه زنی در بالا باشد و آیا گامی به پس نسبت به موقعیت جدید جنبش کارگری نیست؟ طبقه کارگر سالهاست که حتی برای گرفتن حقوق گاه‌گاه تا ۱۲ ماه معوقه خود عملاً در میدان مبارزه است و در این راه به تمامی تازیانه استبداد و خفقان سیاسی به تنش خورده است ولی هنوز دولت سرمایه حاضر به قبول این مطالبه برحق کارگران نشده است باید انتظار داشته باشیم با جمع کردن چند صد امضای بی‌پشتوانه مطالبات کارگران متحقق شود؟ زهی خیال باطل. این کار به نحوی منحرف نمودن جنبش است و از این دست انحرافات در تاریخ جهانی طبقه کارگر کم نیستند. این گرایش‌ها نه اکنون و نه هیچ زمان دیگری در راستای منافع طبقاتی کارگران گامی برنداشته و بر نخواهند داشت. تبلیغات سوء و فحاشیهای اخیر این گرایش‌ها علیه فعالین واقعی کارگری به خوبی برای طبقه کارگر ایران ثابت نموده است که اینها با مطالبات کارگران اعم از صنفی و سیاسی یا طبقاتی بیگانه هستند.

همچنانکه بارها این نوع گرایش‌ها و اهداف و استراتژی‌هایشان از طرف فعالین چپ و دلسوز کارگری به نقد کشیده و عیان شده‌اند این بار نیز از چشمان تیزبین و نقاد فعالین چپ، اعمال این افراد و گرایش‌هایشان به دور نمانده و با مبارزه پیگیر خود هم در عرصه عملی و هم نظری آنها را برای طبقه کارگر ایران افشا خواهند کرد. این کمپین هیچ نیروی ماتریالی در پشت سر خود نداشته و کارگران با آگاه شدن به این موضوع در مقابل آنها، مطالبات خود را نه از راه امضاء و نامه نگاری بلکه از مبارزه عملی و متشکل خود به جلو خواهند برد. ما نیز به عنوان فعالین جنبش کارگری به واقع بر نیروی خود کارگران در رسیدن به مطالبات صنفی و سیاسی شان تکیه خواهیم نمود و معتقدیم که پیشروی جنبش کارگری در همه عرصه‌ها و مطالباتشان تنها با یک نیروی متشکل و مستقل مقدور خواهد شد.

بهنام - ۲۳ / ۱۰ / ۸۷

کمیته هم‌هانگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

www.komitteyehamahangi.com